

آثار و پیامدهای حسد در تعاملات فردی و اجتماعی در آموزه‌های قرآنی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۵/۰۶ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۰۲

محمدعلی همتی*

علی شیروانی شیری**

چکیده

هدف پژوهش حاضر، مفهوم‌شناسی حسد در قرآن و بررسی خاستگاه و پیامدهای آن در بعد فردی و اجتماعی و ارائه راهکارهای تربیتی است. پژوهش حاضر با رویکردی کیفی و بهره‌گیری از داده‌های کتابخانه‌ای و روش تحلیلی - استنتاجی انجام شده و جامعه پژوهش آن شامل تمامی آیات قرآنی مرتبط با موضوع پژوهش و سایر اسناد مرتبط در قالب کتاب و مقاله است. روش نمونه‌گیری از نوع هدفمند است و یافته‌ها حکایت از آن دارد که حسد ناشی از ضعف ایمان و سستی در اعتقادات است و حب دنیا از مهم‌ترین عوامل زمینه‌ساز حسد به حساب می‌آید. در تعاملات انسانی، گاه تمایزات فردی و گروهی، تبعیض میان افراد و گاه کمال‌طلبی انسان، او را به ورطه خودخواهی و دنیاطلبی می‌افکند که باعث می‌شود در تعاملات اجتماعی به دلیل برتری‌جویی و رقابت‌های مادی، به داشته‌ها و برخورداریهای دیگران حسادت بورزد. از جمله آثار و پیامدهای فردی حسد، سلب آرامش روحی و روانی، تضعیف ایمان و اعتقادات توحیدی از انسان و رضایت نداشتن از وضعیت موجود خود، قانع نبودن به داشته‌ها و شکرگزاری نکردن از خداوند است. در تعاملات اجتماعی نیز حسادت ممکن است همچون حلقه اولیه یک زنجیره‌ای از رذایل، پیدایش رذایل دیگر از جمله خشم و غضب، خصومت و دشمنی، کینه‌ورزی و بخل‌ورزی را در وجود انسان باعث شود. همچنین از دست رفتن حرمت و کرامت انسان از دیگر پیامدهای حسد در تعاملات اجتماعی است. جلوگیری از برانگیختن خشم افراد، پرهیز از بخل‌ورزی، پرهیز از خصومت، دشمنی و کینه‌توزی، نداشتن تفاخر و ابراز نکردن توانمندی‌ها، کنترل حب دنیا، توجه به استعدادها و علایق خاص افراد، زمینه‌سازی احساس حرمت و کرامت، توزیع متناسب محبت، زمینه‌سازی روحیه شکرگزاری، آگاهی‌بخشی و ایجاد بینش الهی، الگوپردازی و تقویت ایمان متریبان از راهکارهای تربیتی پژوهش حاضر به‌شمار می‌آید.

واژگان کلیدی: حسد، تعاملات فردی و اجتماعی، آموزه‌های قرآن، تربیت

mohammadalihemati@gmail.com

* استادیار دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، ایران.

Ali_shiravani@cfu.ac.ir

** استادیار گروه علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان، ایران (نویسنده مسئول).

بیان مسئله

تحقیق درباره مفاهیم اخلاقی از آن جهت که باید در زندگی به آن عمل شود تا انسان را به سرمنزل مطلوب انسانی خود برساند، بسیار ضروری است. مطالعه رذایل اخلاقی و آفت‌ها و پیامدهای مخرب آن می‌تواند در قدرشناسی و ترغیب انسان به فضایل اخلاقی بسیار مؤثر باشد. این مطالعه به کندوکاوی درباره «حسد» به‌عنوان یکی از مهم‌ترین رذایل اخلاقی پرداخته که خاستگاه بسیاری از رذایل دیگر است. حسد یک خصلت منفی و در واقع یک بیماری قلبی است که «ام‌الرذائل» خوانده شده و در صورت بی‌توجهی و غفلت از آن نه تنها فرد حسود را از تعالی معنوی و آسایش روانی باز می‌دارد، بلکه ممکن است مخاطرات جبران‌ناپذیری برای محسود نیز بر جای بگذارد.

قرآن کریم این رذیلت اخلاقی مخرب را به‌شدت مورد مذمت قرار داده است؛ تاجایی که مشتقات آن پنج مرتبه، در چهار آیه به‌صورت فعل، اسم فاعل و مصدر به‌کار رفته است (فلق، ۵؛ نساء، ۵۴؛ بقره، ۱۰۹؛ و فتح، ۱۵). در برخی قصص قرآنی نیز غیرمستقیم به حسد و تبعاتش اشاره شده است (مائده، ۲۷). در بسیاری از روایات ائمه (ع) نیز به این موضوع پرداخته شده است. برای نمونه امام صادق (ع) می‌فرماید: آفة الدین الحسدُ و العُجبُ و الفخرُ؛ «آفت دین، حسد، عجب و فخر است». همچنین می‌فرماید: ان الحسدَ یأکلُ الایمانَ کما تأکلُ النارُ الحطبَ؛ «همچنان که آتش هیزم را می‌خورد، حسد نیز ایمان را می‌خورد» (کلینی، ۱۳۵۱، ص. ۱۷۹-۱۷۸). علمای اخلاق نیز به تأسی از قرآن و احادیث معصومین (ع)، به‌طور مفصل درباره پیامدهای این «بیماری قلبی» (فلسفی، ۱۳۵۴)، اظهار نظر کرده‌اند. غزالی این رذیلت و بیماری اخلاقی را از جمله مهلکات خوانده: «بدان که از خشم، حقد خیزد و از حقد، حسد خیزد و حسد از جمله مهلکات است... حسد بیماری عظیم است دل را» (غزالی، ۱۳۸۴، ص. ۵۵۳-۵۵۵). نراقی (۱۳۹۱) نیز حسد را به‌عنوان یک بیماری فکری معرفی کرده که همچون سایر رذایل و بیماری‌های فکری، از ملکات ذمیمه و فساد اخلاق است.

از آنجایی که نسبت دادن برخی ویژگی‌ها به افراد و نوع قضاوت در مورد رفتار آنان، روان‌شناسی را با حوزه اخلاق پیوند می‌دهد، حسادت به‌عنوان یک هیجان خاص، مورد توجه روان‌شناسان هم بوده است. هارلوک^۱ بر این باور است که حسادت واکنشی

1. E. B. Hurlock

هیجانی است که از حدود ۲ سالگی آغاز می‌شود و با رشد کودک ممکن است تا بزرگسالی ادامه یابد و بر طبق الگوهای مختلف فرهنگی به صورت‌های متفاوتی جلوه‌گر شود. مازلو^۱ معتقد است که حسادت همیشه به طرد بیشتر و نبود امنیت عمیق‌تر منجر می‌شود (بیرجندی، قطبی و شعیری، ۱۳۹۷). حتی سخنوران، ادیبان و شاعران نیز در نکوهش حسد سخن‌ها گفته یا شعر سروده‌اند. مولانا در مذمت این خُلق مخاطره‌آمیز چنین سروده است: «خانمان‌ها از حسد گردد خراب / باز شاهی از حسد گردد غراب» (مولوی، ۱۳۸۹).

بنابراین حسادت هم در قرآن کریم، مذموم بوده و شر معرفی شده «وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ» (فلق، ۵) و هم در روایات به‌عنوان خصلتی نکوهیده مورد مذمت قرار گرفته است. این ویژگی و خصلت در اندیشه علمای اخلاق، یکی از بیماری‌های قلبی، روحی و اخلاقی است و در دیدگاه روان‌شناسان از جمله بیماری‌های روانی است که موجب سلب آرامش روان انسان می‌شود. برخی علت این بیماری را نبود شناخت خویشتن (زیبایی‌نژاد، ۱۳۹۱) و برخی بروز و ظهور چنین خصلت نامیمونی را نتیجه مقایسه خود با دیگران و دست‌نیافتن به داشته‌ها و منافع دیگران (Smith and Kim, 2007) می‌پندارند. اما آنچه در رابطه با این موضوع اهمیت دارد این است که همه انسان‌ها در معرض تجربه چنین احساسی در روابط خود با دیگران هستند و حسادت ممکن است بسیاری از ناهنجاری‌های فردی و اجتماعی را برای انسان در پی داشته باشد. حسادت همچنین می‌تواند زمینه ارتکاب جرم‌های مختلف در حوزه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی و... و حتی معاصی کبیره را فراهم کند و انسان را در سرازیری سقوط از شأن و منزلت انسانی خود قرار دهد. نتایج پژوهش‌ها در این زمینه مؤید فعالیت مخاطره‌آمیز انتخابی یک شخصیت حسود با استفاده از روش‌های غیرقانونی برای دستیابی به رونق اقتصادی بالاتر است (Shamionov, 2014). بنابراین تأمل، مطالعه و تحقیق روشمند درباره موضوع حسادت که پیامدهای مخرب بسیاری در ابعاد مختلف برای انسان در پی دارد، بسیار ضروری است. چنانچه رهاورد پژوهش در این باره، دستیابی پژوهشگر به راهکارهای عملی برای تعلیم و تربیت و تعدیل و تنظیم ابعاد مختلف رفتار انسان و

در کل اصلاح نگرش و سبک زندگی باشد، بسیار حائز اهمیت خواهد بود. در بررسی پیشینه پژوهش، در کنار کتب اخلاقی همچون «کیمیای سعادت»، «معراج السعاده» و «اخلاق ناصری» - که بخشی را به موضوع حسد یا حسادت اختصاص داده‌اند - آثار متأخری از جمله کتاب «نکته‌های قرآنی درباره حسود و حسادت» نوشته عباس‌علی کامرانیان (۱۳۹۵) و کتاب «حسد بر زندگی عین‌القضاء» نوشته مسعود کیمیایی (۱۳۹۳) نیز وجود دارد. پژوهش علمی چندی نیز در این باره انجام گرفته است؛ از جمله مقاله‌ای که به شناسایی مفهوم و ابعاد حسادت در قرآن و حدیث و مقایسه آن با روان‌شناسی حسادت پرداخته و حسد را با زمینه‌های سرشتی و یادگیری مرتبط دانسته است (بیرجندی، قطبی و شعیری، ۱۳۹۷). مقاله دیگری از منظر مدیریت اسلامی و مطالعات نوین مدیریتی به بررسی حسد و پیامدهای آن پرداخته و اساسی‌ترین راهکار رهایی از حسادت را اصلاح نگاه توحیدی دانسته است (بهپور و ساجدی، ۱۳۹۶). در پژوهشی دیگر، راهکار درمان حسادت در تقویت ایمان، شناخت صحیح توانمندی‌های خود و اصلاح نگرش‌ها با استفاده از راهکارهای مناسب فکری و عملی خلاصه شده است (ذوالفقاری، نجاریان و نجاریان، ۱۳۹۳، ص. ۹۹-۱۱۴). اما وجه تمایز پژوهش حاضر با آثار فوق در پی‌جویی پیامدهای حسد در تعاملات فردی و اجتماعی در آموزه‌های قرآنی و استخراج دلالت‌های تربیتی آن است.

مسئله پژوهش و دغدغه ذهنی نویسندگان این است که با وجود آموزه‌ها و تعالیم وحیانی در قرآن و حتی سایر کتب مقدس در نکوهش حسادت، به نظر می‌رسد آثار آموزه‌ها آنگونه که باید در رفتار و عملکرد بسیاری از افراد جامعه نمود نیافته و همچنان دغدغه برخی از پژوهشگران (بیرجندی، قطبی و شعیری، ۱۳۹۷؛ بهپور و ساجدی، ۱۳۹۶؛ کامرانیان، ۱۳۹۵؛ کیمیایی، ۱۳۹۳؛ و ذوالفقاری، نجاریان و نجاریان، ۱۳۹۳) بوده است. بنابراین نویسندگان با این دغدغه ذهنی در پی آن هستند که با مفهوم‌شناسی حسد در قرآن و بررسی خاستگاه و همچنین پیامدهای آن در بعد فردی و اجتماعی به فهم عمیق‌تری دست یابند و برای میدانگاه تربیت، راهکارهایی تربیتی ارائه دهند. بنابراین پژوهش حاضر تلاش می‌کند تا به این سؤالات پاسخ دهد:

۱- حسد در قرآن به چه معناست؟

- ۲- خاستگاه حسد و همچنین پیامدهای آن در تعاملات فردی و اجتماعی در آموزه‌های قرآنی کدامند؟
- ۳- راه کارهای تربیتی مرتبط با حسد کدامند؟

روش پژوهش

این پژوهش با توجه به اهداف و پرسش‌های آن از نوع کیفی است که با به‌کارگیری روش تحلیلی - استنتاجی انجام شده است. این پژوهش تحلیلی است؛ زیرا مفهوم حسد را از منظر آیات و آموزه‌های قرآنی مورد تحلیل قرار می‌دهد. همچنین استنتاجی است؛ زیرا بر مبنای داده‌های اولیه حاصل از تحلیل مفهومی، دلالت‌ها و راهکارهای تربیتی متناسب با موضوع حسد، استخراج می‌شود. در واقع «تحلیل مفهومی» تحلیلی است که ما به واسطه آن به فهم معتبر از معانی عادی یک مفهوم یا مجموعه‌ای از مفاهیم مرتبط دست می‌یابیم (کومبز و دنیلز، ۱۳۹۴، ص. ۴۷-۴۳). روش تحلیل مفهومی، کاربرد کلمات را به منزله روش اساسی تحلیل مورد استفاده قرار می‌دهد. البته کاربرد کلمات و گزاره‌ها می‌تواند به صورت نظام‌مند و برای بررسی شبکه مفهومی به کار گرفته شود. در تحلیل مفاهیم باید با دقت تمام، ارتباط بین کلمات و کاربردهای آن در عبارات مختلف بررسی شود. برای این منظور می‌توان از بررسی بافت یا سیاق مفهوم، بررسی مترادف کلمات و عبارات، تحلیل بر حسب مفهوم متضاد و تحلیل بر حسب شبکه معنایی به عنوان شیوه‌های مختلف تحلیل بهره برد (باقری، توسلی و سجادی، ۱۳۸۹، ص. ۱۸۱-۱۶۲). از آنجاکه تحقیق از نوع کیفی است و محقق در پی فهم عمیقی از مفهوم مورد نظر و ابعاد و جنبه‌های آن است، تمامی آیات قرآنی مرتبط با موضوع پژوهش و سایر اسناد مرتبط در قالب کتاب و مقاله به عنوان جامعه تحقیق محسوب می‌شود. روش نمونه‌گیری از نوع هدفمند است؛ یعنی بر اساس اهمیت و ارتباط با موضوع حسد، آیات قرآنی و آثار مکتوب مرتبط تا رسیدن محقق به نقطه اشباع انتخاب شده است.

در تصریح بیشتر فرایند عملیاتی تحلیل - استنتاج و احصاء دلالت‌های تربیتی از تحلیل‌های صورت گرفته، می‌توان بیان داشت که ابتدا مفهوم حسد بر اساس معنای لغوی و اصطلاحی مورد بررسی قرار گرفت و سپس به توصیف و تحلیل مفهوم حسد

و مشتقات آن براساس بافت و سیاق آیات قرآن کریم پرداخته شد. در ادامه براساس تحلیل‌های به عمل آمده، ارتباط آن با سایر مفاهیم اساسی مورد بررسی عمیق قرار گرفت تا ریشه‌ها، علل و پیامدهای آن و همچنین راهکارهای کنترل، کاهش و رفع آن آشکار شود. در ادامه با رویکردی تربیتی و براساس تحلیل‌های به عمل آمده، دلالت‌های تربیتی آن استنتاج شد.

یافته‌های پژوهش

۱. مفهوم‌شناسی حسد

حسد یعنی «آرزو داشتن برای زوال و نیستی نعمت کسی که استحقاق آن نعمت را دارد و چه بسا که با این آرزو و حسادت، عملاً هم در نابودی نعمت او کوشش بنماید» (راغب، ۱۳۸۳، ج. ۱، ص. ۲۳۴). دیگران نیز معنایی مانند راغب آورده‌اند (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج. ۳، ص. ۱۴۸؛ فیومی، ۱۴۱۴، ج. ۱، ص. ۱۳۵؛ و جوهری، ۱۴۰۴، ج. ۲، ص. ۴۶۵).

در اصطلاح علم اخلاق نیز حسد به معنای «تمنای زوال نعمتی از کسی (غزالی، ۱۳۸۴، ص. ۵۵۵) و از نعمت‌هایی است که صلاح او باشد» (نراقی، ۱۳۹۱، ص. ۳۸۹).

۲. حسد در قرآن

در این بخش به ترتیب آیات قرآنی دارای مشتقات حسد و آیات فاقد مشتقات حسد مورد بررسی قرار می‌گیرند.

مشتقات حسد پنج مرتبه در چهار آیه به صورت فعل، اسم فاعل و مصدر به کار رفته و در تمام موارد، معنای معروف خود را داراست؛ یعنی صفت مذموم و ناپسندی که خواهان نابودی نعمت دیگری است. مهم‌ترین آن‌ها آیه «وَمَنْ شَرَّ حَاسِدًا إِذَا حَسَدَ» (فلق، ۵) است. در این آیه حسد به معنای «شر» معرفی شده است؛ شری که پیامبر مأمور شده تا از آن به خداوند پناه ببرد. اهل تأویل در تفسیر و مصداق حسد اختلاف نظر دارند و سه تفسیر برایش ذکر کرده‌اند: ۱- حسد چشم‌زخم، ۲- حسادت یهود به پیامبر و ۳- مطلق حسادت که شامل همه انواع حسادت می‌شود (طبری، ۱۴۲۰، ج. ۲، ص. ۲۲۸). در این تفسیر چشم‌زخم یکی از مصداق حسد است و به نوعی از حسد درونی ناشی می‌شود (طبرسی، ۱۳۶۰، ج. ۲۸، ص. ۳۸۴). مراد از حسد در این آیه احتمالاً حسادت

یهود است. اما به نظر می‌رسد آیه مختص آن‌ها نباشد و به تمامی مؤمنین توصیه می‌شود تا از شر هر حسدی به خدا پناه ببرند. ضمن اینکه براساس معنای لغوی حسد، شخص حاسد زوال نعمت محسود را آرزو دارد، ولو با آسیب رساندن به آن (ابوحیان، ۱۴۲۰، ج. ۱۰، ص. ۵۷۶).

در تفسیر نور، ذیل این آیه آمده است: تلاش برای به‌دست آوردن کمالاتی که دیگران دارند، غبطه و ارزش است؛ ولی تلاش برای نابود کردن کمالات دیگران حسادت است. حسادت نشانه کم‌ظرفیتی و تنگ‌نظری است. نخستین قتلی که در زمین واقع شد، به‌خاطر حسادت میان فرزندان آدم بود و نخستین گناهی که در آسمان واقع شد، حسادت ابلیس به آدم بود. حسادت در میان تمام شرور، برجسته‌ترین شر است؛ زیرا حسود نقشه‌ها می‌کشد و حيله‌ها می‌کند و مرتکب انواع شرور می‌شود تا به هدف خود برسد. حسود در واقع به خدا اعتراض دارد و در برابر اراده و حکمت او جهت می‌گیرد که چرا به او عطا کرده و به من نداده است. حسود هرگز خیرخواهی و نصیحت نمی‌کند و به‌خاطر خوی حسادت، از رسیدن خیر خودش به دیگران جلوگیری می‌کند. حسود، اهل تواضع و تشکر نیست و هرگز به کمالات دیگران گواهی نمی‌دهد و قهراً مرتکب گناه کتمان حق می‌شود (قرائتی، ۱۳۸۷، ص. ۶۴۷).

در برخی از آیات قرآن به حاسدان و نوع حسادت‌شان تصریح شده است. در دو آیه یهودیان را حاسد، پیامبر و مؤمنین را محسود و ایمان، قدرت و موقعیت آن‌ها را محسود علیه معرفی کرده است:

بسیاری از اهل کتاب - پس از اینکه حق برایشان آشکار شد - از روی حسدی که در وجودشان بود، آرزو می‌کردند که شما را بعد از ایمان‌تان، کافر گردانند^۱ (بقره، ۱۰۹). مفسران شأن نزول این آیه را درباره «کعب بن الأشرف» و «حیی بن أخطب» بیان کرده‌اند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج. ۱، ص. ۳۵۳؛ و طباطبایی، ۱۴۱۷، ج. ۱، ص. ۲۵۸)؛ زیرا آن دو از حسودترین یهودیان نسبت به اعراب بودند و هنگامی که خداوند، رسول الله (ص) را برای آن‌ها برگزید، هر تلاشی که در توان‌شان بود برای برگرداندن مؤمنان از دین اسلام انجام دادند (طبرسی، ۱۴۲۰، ج. ۱، ص. ۳۸۹). کار یهودیان از روی شهوتی

۱. «وَدَكَّ كَثِيرٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يَرُدُّونَكُمْ مِنْ بَعْدِ إِيمَانِكُمْ كُفَّارًا حَسَدًا مِنْ عِنْدِ أَنْفُسِهِمْ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْحَقُّ» (بقره، ۱۰۹)

برخاسته از حسد بود، نه از روی تمایل به حق (زمخشری، ۱۴۰۷، ج. ۱، ص. ۱۷۷). اعطاء موهبت و فضیلت رسالت رسول الله (ص) در میان اعراب، انگیزه حسادت یهود نسبت به مسلمان را برانگیخت. در واقع از این آیه می‌توان چنین برداشت کرد که ریشه تمامی منازعات اهل کتاب با رسول اسلام (ص) و ستیزشان با قرآن، حسد است.

در آیه ۵۴ سوره مبارکه نساء، «بلکه آنان به مردم [که درحقیقت پیامبر و اهل بیت اویند] به‌خاطر آنچه خدا از فضلش به آنان عطا کرده، حسد می‌ورزند. تحقیقاً ما به خاندان ابراهیم کتاب و حکمت دادیم و به آنان فرمان‌روایی بزرگی بخشیدیم»^۱. حاسدان طبق نظر مفسران، یهودیان هستند. سیاق این آیه و آیات قبل اشاره به این دارد که یهودیان در قضاوت خود، دین مشرکان را بر مؤمنان ترجیح دادند و نسبت به موهبتی که خداوند به آن‌ها داده بود، رشک ورزیدند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج. ۴، ص. ۵۹۹؛ و مکارم، ۱۳۷۴، ج. ۲، ص. ۴۲۰). در اینکه مراد از «ناس» در آیه چه کسانی هستند، بین مفسران اختلاف نظر وجود دارد؛ برخی مؤمنان را مراد دانسته (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج. ۴، ص. ۵۹۹؛ و مکارم، ۱۳۷۴، ج. ۲، ص. ۴۲۰)، برخی امام علی و ائمه (ع) را و سبب حسادت را خلافت آنان نامیده‌اند (حویزی، ۱۴۱۵، ج. ۱، ص. ۴۹۰). عده‌ای هم حضرت رسول (ص) و نبوتش را موجب حسادت یهودیان دانسته‌اند (زمخشری، ۱۴۰۷، ج. ۱، ص. ۵۲۲؛ بحرانی، ۱۴۱۶، ج. ۲، ص. ۹۴؛ ابن‌عاشور، ۱۹۹۷، ج. ۴، ص. ۱۵۸؛ و طباطبایی، ۱۴۱۷، ج. ۴، ص. ۳۷۷). این فضیلت مورد نظر، عزت، نصرت و کرامت به‌همراه دارد که باعث فخر دین و دنیاست و از طرفی کثرت این نعمت‌ها بر نبی اکرم (ص) می‌تواند سبب حسادت باشد (طبری، ۱۴۲۰، ج. ۵، ص. ۸۹؛ و بیضاوی، ۱۴۱۸، ج. ۲، ص. ۸۰).

تفسیر نور در ذیل این آیه شریفه آورده است: «حسد از بخل بدتر است. چون در بخل مال خود را نمی‌بخشد، ولی در حسد از بخشش دیگری هم ناراحت است. یهود که بیشتر مورد لطف و نعمت خدا قرار گرفته‌اند، چرا از اینکه دیگران به نعمت و قدرتی برسند، از روی حسد، ناراحت می‌شوند؟ چرا آل‌ابراهیم (ع) برخوردار باشند و

۱. «أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلَى مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ فَقَدْ آتَيْنَا آلَ إِبْرَاهِيمَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَآتَيْنَاهُمْ مُلْكًا عَظِيمًا» (النساء، ۵۴).

آل محمد (ص) و بنی‌هاشم، محروم؟» (قرائتی، ۱۳۸۷، ج. ۲، ص. ۸۵). پیام‌های مستخرج از این آیه بیانگر این هستند که ۱- حسود در مقابل اراده خدا قد علم می‌کند. «بلکه آنان به مردم [که درحقیقت پیامبر و اهل بیت اویند] به‌خاطر آنچه خدا از فضلش به آنان عطا کرده، حسد می‌ورزند»^۱ (نساء، ۵۴). ۲- منشأ همه نعمت‌ها و بهره‌گیری‌ها فضل خداست؛ «مَنْ فَضَّلَهُ». به‌جای آرزوی زوال نعمت دیگران، از خداوند آرزوی فضل او را داشته باشید. ۳- همسویی اهل کتاب با مشرکان و قضاوت بر اینکه شرک شما بهتر از توحید مسلمانان است، به‌خاطر حسادت است. ۴- همه الطاف از اوست و ۵- حکومت الهی باید به‌دست کسانی باشد که قبل از حکومت، دارای مقام معنوی و علمی و بینش بالایی باشند. نام کتاب و حکمت قبل از ملک عظیم آمده است (قرائتی، ۱۳۸۷).

در واقع حسادت هنگامی به‌وجود می‌آید که برتری وجود داشته باشد و حسادت به کامل‌ترین انسان به‌مراتب عظیم‌تر است و معلوم است که نبوت در امور دینی، امر بزرگی است که خداوند به محمد (ص) اعطاء کرده و قوی‌ترین دولت، عظیم‌ترین شوکت و بیشترین انصار برای اوست و این است که موجبات حسد عظیم را فراهم می‌آورد (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج. ۱۰، ص. ۱۰۵).

آیه ۱۵ سوره فتح نیز اشاره به حسادت در تعاملات اجتماعی دارد. جریان آیه از این قرار است که عده‌ای از مسلمانان ضعیف‌الایمان، پیامبر (ص) را در جریان حدیبیه همراهی نکردند. در برگشت خداوند به پیامبر و همراهان‌شان وعده فتح خیبر و کسب غنایم فراوان را داد و اعلام کرد که غنایم مختص حاضران در حدیبیه است. متخلفان از جنگ وقتی این پیام را شنیدند به پیامبر محلق شدند تا در فتح خیبر شرکت کنند و در غنایم شریک شوند؛ غافل از اینکه خداوند از پیش آن‌ها را محروم کرده بود. این گروه در واکنش به عمل پیامبر (ص) و اصحابش آنان را متهم به حسادت کردند: «...بَلْ تَحْسُدُونََنَا...» (فتح، ۱۵) (فراء، بی‌تا، ج. ۳، ص. ۶۶؛ قرطبی، ۱۳۶۴، ج. ۱۶، ص. ۲۷۴؛ و طباطبایی، ۱۳۷۴، ج. ۱۸، ص. ۴۱۸).

در برخی آیات قرآن گرچه مشتقات حسد نیامده، ولی مفهوم، قرائن و سیاق آیات

۱. «أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلَى مَا آتَاهُمُ...» (نساء، ۵۴).

دلالت بر این دارد که جریان‌ها و اتفاقاتی به وقوع پیوسته که معلول حسادت شخصی یا گروهی بوده است. در ادامه به دو نمونه اشاره می‌شود.

در سوره مائده آیات ۲۷ تا ۳۲، قصه فرزندان حضرت آدم بیان شده است. مفسران، عامل قتل برادری توسط برادرش را، حسد بیان کرده‌اند (طبری، ۱۴۲۰، ج. ۶، ص. ۱۲۲؛ قرطبی، ۱۳۶۴، ج. ۶، ص. ۱۳۳؛ طوسی، ۱۳۵۶، ج. ۳، ص. ۴۹۳؛ و طباطبایی، ۱۳۷۴، ج. ۵، ص. ۴۸۵). در حقیقت حسد کار آدمی را به جایی می‌کشاند که حتی برادر خود را به ناحق به قتل برساند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج. ۵، ص. ۴۸۵). عاملیت حسد در این داستان در روایات نیز آمده است (مجلسی، ۱۴۰۳، ج. ۱۱، ص. ۲۴۱). جریان فوق در کتاب «عهد عتیق» نیز آمده است؛ با این تفاوت که در آنجا علت قتل، خشم قائن (قابیل) بیان شده است: «خداوند [قائن و هدیة او را قبول نکرد. قائن از این بابت خشمگین شد و سر خود را به زیر انداخت» (پیدایش، ۴: ۵). و نهایتاً خشم قابیل که خاستگاهش حسادت به پذیرش قربانی برادرش از طرف خدا بود، وی را به قتل برادرش سوق داد: «بعد قائن به برادرش هابیل گفت: «بیا با هم به مزرعه برویم». وقتی در مزرعه بودند، قائن به برادرش حمله کرد و او را کشت» (پیدایش، ۴: ۸). گرچه در این داستان به حسد تصریح نشده، اما به یکی از آثار آن یعنی خشم اشاره دارد که در این حالت معمولاً شخص کنترل خود را از دست می‌دهد و به اعمال خطرناکی دست می‌زند. در واقع خشم قابیل که منجر به قتل برادرش شد، نتیجه حسادتی بود که در وی شکل گرفته بود و او قادر به تحمل آن نبود. قابیل غافل از اینکه آفرینش هدفمند و غایتمند است و خداوند ضمن اینکه استعدادها و توانمندی‌های مشترکی از جمله عقل، اختیار و تصمیم‌گیری را به همه انسان‌ها داده و مشترک میان آنهاست، یک سری خصوصیات و ویژگی‌های دیگری نیز برای هر یک از انسان‌ها فرستاده که موجب تمایز وی با دیگر انسان‌ها می‌شود و براساس حکمت الهی و نظام علت و معلولی است، نتوانست از آزمون و سنت الهی که بر زندگی وی و برادرش حاکم بود، با موفقیت گذر کند.

نمونه دیگر حسادت برادران یوسف است که خداوند قصه حضرت یوسف (ع) را «أحسن القصص» (یوسف، ۳) نامیده است. داستانی که بخش عظیمی از تاریخ

بنی اسرائیل را به وجود آورد و زمینه مهاجرت فرزندان یعقوب را از کنعان به مصر فراهم کرد و تا زمان خروج نوادگان یعقوب از مصر به واسطه حضرت موسی (ع) و عبور از دریا ادامه یافت (مقدسی، ۱۳۷۴، ج. ۱، ص. ۴۵۱).

از باهم‌نگری و مطابقت آموزه‌های قرآن کریم درباره موضوع حسد، می‌توان نتیجه گرفت که در این متن مقدس، حسد به‌عنوان یک رذیلت اخلاقی هم به‌صورت پیام آشکار و مستقیم و هم در قالب داستان و به‌صورت نهفته و غیرمستقیم به‌شدت مورد مذمت قرار گرفته است. در آیات قرآنی ذکر شده، به آثار و پیامدهای مخرب حسد در تعاملات فردی و اجتماعی اشاره شده است.

۳. مبانی و علل زمینه‌ای شکل‌گیری حسد

از آنجایی که موضوع پژوهش، یعنی حسد، یکی از رذایل اخلاقی و از ویژگی‌های اکتسابی انسان است، در این بخش برای تبیین بهتر، ابتدا برخی از مبانی انسان‌شناختی و ارزش‌شناختی مرتبط مورد بحث قرار می‌گیرد.

انسان موجودی مرکب از جسم و روح است که دارای فطرتی الهی است؛ یعنی سرشتش به خدا گرایش دارد و انسان برحسب فطرت، جویای همه مراتب کمال (تا حد بی‌نهایت) است. البته انسان چون خودش را دوست دارد، شوق دارد که به بالاترین کمالات برسد. هرکاری که در آن مسئول باشد، به بهترین نحو انجام می‌دهد و می‌خواهد به جاودانگی نامتناهی برسد. این کمال مراتبی دارد که از پایین‌ترین سطح یعنی کمالات طبیعی شروع شده و به بالاترین کمال یعنی رشد و تعالی می‌رسد. البته گاه این کمال‌طلبی انسان در محدوده کمالات طبیعی باقی می‌ماند و حب نفس و حب دنیا نیز در وی به سمت بعد مادی و طبیعی متمایل شده و او را به ورطه خویش‌دوستی افراطی و خودخواهی و دنیاطلبی می‌افکند که در این حالت ممکن است در تعاملات اجتماعی به دلیل برتری‌جویی و رقابت‌های مادی، به داشته‌ها و برخورداریهای دیگران حسادت بورزد.

حسادت یکی از خصلت‌هایی است که ذاتی انسان نبوده، اما انسان می‌تواند آن را کسب کند. انسان علاوه بر اینکه دارای کرامت ذاتی الهی است که خدا به او داده، دارای کرامت اکتسابی نیز هست که این کرامت در جهت تقرب به خداوند و تلاش در

رسیدن به اوست و ملاک اصلی آن تقواست. البته انسان با انتخاب‌های خود و رعایت نکردن ملاک تقوی، ممکن است همین کرامت الهی را از دست بدهد و منزلتش پایین‌تر از چهارپایان باشد. یکی از خصلت‌ها و ویژگی‌هایی که ذاتی انسان نبوده و انسان می‌تواند آن را با اختیار و انتخاب خود کسب کند، حسادت است که درحقیقت با کسب این خصلت، علاوه بر رعایت نکردن معیار تقوای الهی، به کرامت ذاتی و خدادادی خود نیز اهانت کرده است.

در تعاملات انسانی، گاه تمایزات فردی و گروهی زمینه حسادت برخی افراد می‌شود که در این وضعیت باید متوجه بود که تنوع و تمایز در استعدادها، توانمندی‌ها و برخورداری‌های افراد جامعه، دلیل بر حکمت الهی و نظام علت و معلولی است که سبب می‌شود انسان در هر سطح از استعداد، توانمندی، امکانات و برخورداری از فرصت‌ها، شرایط و موقعیت‌ها، حقوق و تکالیف متناسب با آن را داشته باشد. بنابراین این تمایزات دلیل بر برتری انسان‌ها نسبت به یکدیگر نیست؛ چرا که ملاک برتری به تصریح قرآن کریم در تقواست.

از بعد ارزش‌شناختی، حیات طیبه، وضع مطلوب زندگی بشر براساس نظام معیار ربوبی است که با انتخاب و التزام آگاهانه و اختیاری این نظام معیار در همین زندگی دنیایی و درجهت تعالی آن از سوی خداوند به انسان عطا می‌شود و تحقق آن باعث دستیابی به غایت اصلی زندگی انسان، یعنی قرب الی الله خواهد شد. حیات طیبه در شأن دینی، اعتقادی، عبادی و اخلاقی، ناظر به خودشناسی، خداشناسی، ایمان به خداوند متعال و باور به معاد، نبوت و سایر معتقدات دینی، انتخاب آگاهانه و اختیاری دین حق به‌عنوان آیین زندگی، التزام عملی آگاهانه و اختیاری نظام معیار دینی در همه شئون زندگی، تقید اختیاری به احکام و ارزش‌های دینی و اصول و آداب اخلاقی در زندگی روزمره و تلاش پیوسته برای خودسازی براساس نظام معیار دینی، حفظ کرامت و عزت نفس، خویش‌داری و مهار غرایز طبیعی، تعدیل عواطف و تمایلات طبیعی، رعایت آداب و کسب صفات و فضایل اخلاقی و پیشگیری از تکوین صفات و رذایل غیراخلاقی و درمان آن است (مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۰، ص. ۹۳). حسادت و سایر رذایل اخلاقی،

امکان تحقق چنین زندگی مطلوبی را از انسان سلب می‌کند. بنابراین برای دستیابی به حیات طیبه که برطبق نظام معیار اسلامی وضع مطلوب زندگی بشر است، لازم است از تکوین صفات و رذایل غیراخلاقی همچون حسادت پیشگیری به‌عمل آید. از سوی دیگر مطابق با ارزش‌شناسی اسلامی، آزادی حقیقی انسان در رهایی از همه موانع درونی و بیرونی است و حسادت که یک تمنا و آرزوی قلبی منفی است، همچون یک مانع درونی نشان از وابستگی انسان به تمایلات نفسانی دارد و درحقیقت نشان اسارت انسان در بند تمایلات نفسانی است.

از نظر علم اخلاق، «منشأ حسد به‌عنوان یک بیماری فکری، همچون سایر رذایل و بیماری‌های فکری، ملکات ذمیمه و فساد اخلاق است» (فلسفی، ۱۳۵۴، ص. ۱۸۵). محبت دنیا به‌دلیل آنکه تنگی و محصور بودن منابع دنیا باعث دشمنی است، منشأ اصلی حسد معرفی شده است (نراقی، ۱۳۹۱، ص. ۳۹۶).

گاهی تبعیض نابه‌جا میان افراد، حسادت آنان را بر می‌انگیزد؛ زیرا تبعیض بین فرزندان اثرات روان‌شناختی مخربی در سطح خانواده برجای می‌گذارد که از آن جمله می‌توان به تنفر به والدین، کاهش اعتماد به نفس و حسادت بین فرزندان اشاره کرد. فرزندان دچار تبعیض والدین، افزون بر داشتن مشکلاتی در تعاملات خانوادگی، در تعاملات اجتماعی نیز با اطرافیان خود مشکل خواهند داشت. چنین افرادی در جامعه معمولاً به دیگران حسادت ورزیده، در پی انتقام و کینه‌جویی از دیگران بوده و از طریق کشف نقطه ضعف‌های دیگران، سعی در ارتقاء موقعیت خود دارند.

گاهی افراد توجیه نیستند و استعدادها، امکانات، برخورداری‌ها و شرایط افراد را یکسان می‌پندارند و همین که یک برتری و امتیازی در دیگران دیدند، حسادت می‌ورزند. درحالی‌که اگر حکمت و دلیل تفاوت‌ها را بدانند، آرام خواهند شد. چنانچه انسان به این حقیقت پی ببرد که خداوند ضمن اینکه استعدادها و توانمندی‌های مشترکی از جمله عقل، اختیار و تصمیم‌گیری را به همه انسان‌ها داده و مشترک میان آنهاست، یک سری خصوصیات و ویژگی‌های دیگری نیز برای هر یک از انسان‌ها قرار داده که با دیگر انسان‌ها متمایز است و این تمایزات براساس حکمت الهی و نظام علت و معلولی است که سبب می‌شود انسان در هر موقعیتی، حقوق و تکالیف متناسب

با آن‌ها را داشته باشد و اساساً برخورداری دیگران از نعمتی، تابع حکمتی است که ممکن است بر وی مکشوف نباشد، دلیلی برای حسدورزی نخواهد داشت. همچنین باید دانست که دامنه حسادت تنها نسبت به نعمت‌های مادی نیست؛ بلکه گاهی نسبت به ایمان افراد حسادت می‌شود و می‌خواهند آنان را به کفر برگردانند. «بسیاری از اهل کتاب پس از آنکه حق برای آنان روشن شد، به سبب حسدی که از وجودشان شعله کشیده، دوست دارند که شما را پس از ایمان‌تان به کفر بازگردانند. هم‌اکنون [از ستیز و جدال با آنان] درگذرید و [از آنان] روی بگردانید تا خدا فرمانش را [به جنگ یا جزیه] اعلام کند؛ یقیناً خدا بر هر کاری تواناست»^۱ (بقره، ۱۰۹). همانطور که در آیه مبارکه فوق تصریح شد، عده بسیاری از اهل کتاب، علیرغم اینکه حق بر آن‌ها آشکار شد، به سبب حسدی که در نفس خود بر ایمان مسلمانان دارند، لجوجانه تلاش می‌کنند که آنان را از ایمان به کفر برگردانند. درحقیقت آیه مبارکه فوق دربرگیرنده این پیام است که شعله حسادت چون یک بیماری، چنان خطرناک است که بعد از علم و آگاهی و آشکار شدن حق بر افراد نیز فرو نمی‌نشیند. البته باید در نظر داشت که دامنه شمول حسد، هم شامل کفر، هم افراد عادی جامعه و هم خاندان نبوت است. همان‌گونه که در خانه حضرت یعقوب، حسادت فرزندان، آنان را به چاه افکندن برادر وادار کرد.

بنابراین می‌توان منشأ حسادت را در گاه نیاندیشیدن در حکمت الهی، گاه بیماردلی و لجاجت با حق و حقیقت، فساد اخلاق، محبت به دنیا و محصور بودن در منابع آن و در روابط اجتماعی، تبعیض نابه‌جا میان افراد و به‌طور کلی نداشتن بینش صحیح نسبت به خود، عالم هستی و دنیا و عقبی دانست.

۴. پیامدهای حسد

براساس آموزه‌های قرآنی، حسد آثار و پیامدهای مخربی بر تعاملات فردی و اجتماعی انسان دارد.

۱. «وَدَّ كَثِيرٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يَرُدُّونَكُمْ مِنْ بَعْدِ إِيمَانِكُمْ كُفَّارًا حَسَدًا مِّنْ عِنْدِ أَنْفُسِهِمْ مِّنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْحَقُّ فَاعْتُوا وَأَصْفَحُوا حَتَّىٰ يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» (بقره، ۱۰۹).

از جمله آثار و پیامدهای فردی حسد بر بعد فردی، سلب آرامش روحی و روانی انسان است. انسانی که دائم به داشته‌های دیگری حسادت می‌ورزد، خود را بیشتر در معرض نگرانی، تشویش خاطر و اوهام و خیالات باطل قرار می‌دهد. چنین فردی ذهن و فکر خود را به جای صرف در رشد و توسعه ابعاد وجودی شخصیت خویش، تأمین رضایت خاطر و آرامش و سلامت روان خویش، صرف این موضوع کرده که چرا کمتر از دیگران دارد و بیمار دلی و پریشانی فکر و خاطر خود را رقم می‌زند. افزون بر سلب آرامش روحی و روانی، پیامد دیگر حسادت، تضعیف بعد شناختی انسان و تضعیف ایمان و اعتقادات توحیدی است. حسادت، شناخت و بینش الهی و توحیدی را در انسان تضعیف می‌کند. در واقع در دامنه بینشی حسود اینکه عالم هستی، مخلوق خداوند است «... بگو: آفریننده همه چیز فقط خداست...»^۱ (رعد، ۱۶) و اینکه این دنیا زودگذر و فانی است «ای قوم من! این زندگی دنیا فقط کالایی بی‌ارزش و زودگذر است و بی‌تردید آخرت سرای همیشگی و پایدار است»^۲ (غافر، ۳۹) و همچنین آنچه به انسان عطا شده، زمینه آزمایش اوست «و بدانید که اموال و فرزندانان فقط وسیله آزمایش شماست و خداست که پاداشی بزرگ نزد اوست»^۳ (انفال، ۲۸)، تضعیف شده است. حسود به جای آنکه عالم هستی را مخلوق خداوند بداند، آن را نتیجه تلاش و اراده بشر و در کنترل خود و دیگری می‌پندارد. حسود دنیا را نه دارالفرار، که دارالقرار تصور می‌کند؛ گویی بناست تا ابد در آن بماند. اما اگر انسان به این آگاهی و بینش دست یابد که توانمندی‌های دیگران را نتیجه فضل (بقره، ۹۰)، نعمت (یوسف، ۹-۸) و حکمت الهی (نساء، ۵۴) بداند، نسبت به آن‌ها حسادت نمی‌ورزد و در نتیجه این آگاهی مایه آرامش روح و جان و تقویت بنیه ایمان، اعتقاد توحیدی و فکری وی خواهد بود. از پیامدهای دیگر حسادت در بعد فردی، رضایت نداشتن از وضعیت موجود خود، قانع نبودن به داشته‌های خود و شکرگزاری نکردن از خالق یکتاست؛ زیرا حسادت‌ورزی، انسان را از تأمل در داشته‌ها، امکانات و فضایل خود باز می‌دارد و انسان را از نعمت داشتن رضایت خاطر و قناعت که تسکین‌بخش روان و خاطر است، محروم می‌کند.

۱. «اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ...» (رعد، ۱۶).

۲. «انما هذه الحيوة الدنيا متعة وان الآخرة هي دار القرار» (غافر، ۳۹).

۳. «وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ وَأَنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ» (انفال، ۲۸).

شکرگزاری زمانی صورت می‌گیرد که انسان به داشته‌های خود که جملگی دهش و عطیه الهی است، باور داشته باشد؛ در صورتی که انسان حسود به‌طور مداوم نداشته‌های خود را مد نظر دارد.

در تعاملات اجتماعی، گاه رفتارهای نسنجیده انسان در ارتباط با دیگری، ممکن است زمینه‌ساز فهم و تصور متفاوتی از نیت انسان در دیگران شود. به‌عنوان مثال توزیع نابرابر مهر و محبت والدین یا بزرگسالان به کودکان ممکن است زمینه‌ساز بروز حسادت در آنان شود. سبب حسادت به یوسف و برادرش از قول فرزندان یعقوب، حب پدر به آن دو بود: «یاد کن هنگامی را که برادران گفتند: با اینکه ما گروهی نیرومندیم، یوسف و برادرش نزد پدرمان از ما محبوب‌ترند و قطعاً پدرمان در اشتباه روشن و آشکاری است»^۱ (یوسف، ۸). در تعاملات اجتماعی، حسادت ممکن است همچون حلقه اولیه زنجیره‌ای از ردایل، پیدایش ردایل دیگر از جمله خشم و غضب، خصومت و دشمنی، کینه‌ورزی و بخل‌ورزی را در وجود انسان باعث شود. برای مثال دشمنی و خصومت با دیگران که بر اثر حسادت ایجاد شده، موجب پیدایش کینه است. البته دیگر ردایل نامبرده نیز گاهی موجبات تشدید حسادت در انسان می‌شود؛ مانند حسادت یهود به رسول اسلام (ص) که به دلیل دشمنی با ایشان بود (بقره، ۱۰۹). از دیگر پیامدهای حسد در تعاملات اجتماعی، از دست رفتن حرمت و کرامت انسان است؛ حرمت و کرامتی که خداوند در قرآن بر آن تأکید کرده است: «به یقین فرزندان آدم را کرامت دادیم، و آنان را در خشکی و دریا [بر مرکب‌هایی که در اختیارشان گذاشتیم] سوار کردیم، و به آنان از نعمت‌های پاکیزه روزی بخشیدیم، و آنان را بر بسیاری از آفریده‌های خود برتری کامل دادیم»^۲ (اسراء، ۷۰).

همانطور که بیان شد، براساس آموزه‌های قرآنی، حسد آثار و پیامدهای مخربی بر تعاملات فردی و اجتماعی انسان دارد. اگرچه بروز چنین خصلتی در انسان به دلیل خودخواهی، دنیا دوستی و زیاده‌طلبی تا حد زیادی رایج و معمول است، اما با برخورداری از تربیت صحیح و مطابق با آموزه‌های قرآنی، می‌توان از پیامدهای مخرب چنین ردیلتی در امان ماند.

۱. «إِذْ قَالُوا لِيُوسُفُ وَأَخُوهُ أَحَبُّ إِلَيْنَا مِمَّا نَحْنُ غُصْبَةٌ إِنَّ أَبَانَا لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ...» (یوسف، ۸).

۲. «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا» (اسراء، ۷۰).

۵. تشخیص و علاج حسد

اولین راه تشخیص حسد، حضور در محضر انسان بصیری است که عیب‌های نفسانی و آفت‌های پنهانی اخلاق را به‌خوبی می‌شناسد. معیار عیوب معنوی، ناسازگاری با اصول اخلاقی مکتبی است که فرد پیرو آن است. در مکتب اسلام اگر انسان بخواهد به انحراف‌های روحی و عیب‌های اخلاقی خود پی ببرد، باید اندیشه و افکار خود را با عالم دینی که پیرو آموزه‌های قرآن کریم است، در میان بگذارد (فلسفی، ۱۳۵۴، ص. ۱۹۳-۱۹۹). پس از تشخیص، برای اصلاح اخلاق و ریشه آن افکار خود، باید با اراده جدی به درمان خود پردازد (همان، ۲۶۳). درمان برخی از بیماری‌های اخلاقی همچون حسد، ساده نیست و نیاز به تلاش بسیار دارد. انسان گاه لازم است به پاکسازی فکر خود پردازد و بنای غلطی که اندیشه، رفتار و زندگی خویش را بر آن بنیان نهاده ویران سازد و از نو اساس تازه‌ای را مطابق فضایل اخلاقی پایه‌گذاری کند (فلسفی، ۱۳۵۴، ص. ۲۶۸).

در تفسیر نور آمده است: «حسادت، دارویی جز پناه بردن به خدا ندارد. قُلْ أَعُوذُ... إِذَا حَسَدًا»؛ زمینه‌ها زمانی خطرناک است که به فعلیت درآیند «حاسد إِذَا حَسَدًا». حسادت، کم و بیش در افراد هست؛ اقدام عملی براساس آن گناه است «إِذَا حَسَدًا» (قرائتی، ۱۳۸۷، ص. ۶۴۷).

علاج حسد که از قبیح‌ترین امراض و شنیع‌ترین شرور است، اهمیت خاصی دارد؛ زیرا در صورت علاج آن، علاج دیگر رذایل آسان می‌شود (طوسی، ۱۳۵۶، ص. ۲۰۴). علاج حسادت «معجون علم و عمل است. اما علمی آن است که بداند حسد زیان وی اندر دنیا و آخرت و سود محسود وی اندر دنیا و آخرت است» (غزالی، ۱۳۸۴، ص. ۵۵۸). براین‌اساس می‌توان گفت که ازجمله راه‌های علاج حسادت، علم و آگاهی نسبت به نتیجه حسادت‌ورزی است. نراقی حسد را مایه ضرر دنیوی حاسد دانسته است، نه محسود و چنین استدلال می‌کند که حسود همواره در حزن، الم، غم و غصه است. هر نعمتی که خدا به دیگران می‌دهد بار غمی بر دل حسود می‌گذارد؛ زیرا نعمت‌های خدا به‌واسطه حسادت از دیگران قطع نخواهد شد (نراقی، ۱۳۹۱، ص. ۳۹۹). انسان با حسادت، به‌جای آنکه دشمن یا محسود خود را به رنج و عذاب اندازد،

فقط خود را به رنج و عذاب گرفتار می‌کند. پس عاقلانه نیست که انسان همواره خود را رنج دهد، درحالی که هیچ ضرر و زیانی به محسود نمی‌رسد. بنابراین نخست با علم و آگاهی نسبت به این حقیقت که نتیجه حسادت فقط رساندن زیان به خود حسود است، سوق دادن ذهنیت و تفکر خود به این جهت که دنیا، کوتاه و کوچک است و ارزش غصه ندارد، اینکه ما نیز نعمت‌هایی داریم که دیگران ندارند و این نعمت‌ها براساس حکمت تقسیم شده است؛ گرچه ما حکمت آن را ندانیم، همچنین آنکه نعمتش بیشتر است، مسئولیتش هم بیشتر است، ضمن اینکه حسادت‌ورزی ما بی‌نتیجه است و خداوند به دلیل اینکه بنده‌ای چشم دیدن نعمتی را ندارد، لطف خود را قطع نمی‌کند و فقط خودمان را رنج می‌دهیم و در مرحله بعد با عمل به راهکارهای تربیتی که در ادامه به آن‌ها اشاره می‌شود، می‌توان بیماری حسادت را علاج کرد.

۶. اهداف تربیتی

هدف اساسی تعلیم و تربیت اسلامی، نیل به حیات طیبه است که در مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی جمهوری اسلامی (۱۳۹۰، ص. ۱۵۳)، چنین توصیف شده است: «تکوین و تعالی پیوسته هویت متریبان به گونه‌ای که بتوانند موقعیت خود و دیگران در هستی را به درستی درک و آن را به‌طور مستمر با عمل صالح فردی و جمعی متناسب با نظام معیار اسلامی اصلاح نمایند». این هدف انسان را به نوع خاصی از زندگی رهنمون می‌کند که آدمی در این نوع زندگی «مبدأ و غایت حقیقی جهان را باز می‌شناسد و به او می‌گردد. در عرصه جسم، به پاکی، سلامت و قوت نایل می‌شود. گرایش‌ها و هیجان‌های خود را به‌صورت موجه و مشروع تنظیم می‌کند. اراده معطوف به خیر می‌یابد و در عرصه فردی و جمعی، عمل صالح انجام می‌دهد و غنا، عفت، عدالت و رأفت را در جامعه می‌گسترده و ذائقه توانا برای درک و گرایش به زیبایی می‌یابد» (باقری، ۱۳۹۵، ص. ۱۳۰). در ساحت تربیت اخلاقی، پرورش فضایل و از میان بردن رذایل و پرورش فهم و تعقل اخلاقی دو هدف تربیت اخلاقی است (داودی و حسینی‌زاده، ۱۳۹۸، ص. ۶۶) که دستیابی به آن‌ها، از طریق پاک‌سازی رذایل و پرورش فضایل اخلاقی امکان‌پذیر است.

برای نیل به این اهداف، در محیط و فضاهاى تربیتی علاوه بر داشتن رویکرد ایجابی

یعنی پرداختن به محتوای مناسب و نظریه‌پردازی، می‌توان با رویکردی سلبی به اصلاح متناسب شرایط، قوانین و حتی ساختارهای آموزشی پرداخت تا زمینه‌های بروز رفتارهای غیراخلاقی همچون حسد و نظایر آن کاهش یابد. بنابراین برای تحقق این هدف ضروری است که برنامه‌ها و فعالیت‌های مناسب تربیتی هم از نوع ایجابی و هم از نوع سلبی صورت‌بندی و اجرا شود.

البته در زمینه بیماری‌های فکری و اخلاقی ابتدا باید منشأ آن را یافت تا بتوان برای دفع یا درمان آن، چاره جست. سپس براساس اصل «تقدم تزکیه بر حکمت» که ابتدا باید فرد را تزکیه و تطهیر کرد و سپس به او حکمت آموخت تا تأثیرگذار باشد (حسینی‌زاده و مشایخی، ۱۳۹۳، ص. ۳۰)، باید به ترتیب زمینه‌های سلبی و سپس ایجابی آن را به کمک جریان تربیت فراهم کرد.

۷. زمینه‌های تربیتی از نوع سلبی

کارکرد مهم تعلیم و تربیت، به فعلیت درآوردن امکانات و استعداد‌های افراد درجهت مطلوب است که این مهم به دو شیوه انجام می‌گیرد. نقش تعلیم و تربیت در شیوه نخست، زمینه‌سازی و فراهم‌آوری شرایط و عوامل به فعلیت درآوردن امکانات و استعداد‌های افراد درجهت مطلوب است. اما شیوه دیگر که نزد مربیان اخلاق، نسبت به شیوه نخست از اولویت و اهمیت بیشتری برخوردار است، پیشگیری از شکل‌گیری افکار، نگرش‌ها و رفتارهایی است که با فطرت الهی انسان و اهداف مطلوب تربیت مغایرت دارد.

وجه سلبی تربیت در قالب مفهوم قرآنی «تزکیه» به معنای سلب هر آن چیزی است که ما را از فطرت خویش دور می‌سازد. این روش براساس شعار (لا اله الا الله) به نفی و حذف موانع می‌پردازد و با شعار (انا لله و انا الیه راجعون) زمینه بازگشت به فطرت الهی انسان را فراهم می‌سازد. هدف روش تربیت سلبی زدودن همان لایه‌هایی است که ناخواسته گوهر حقیقی و روح الهی انسان را پوشانده است و باید با سلاح تزکیه از بنیاد برکنده شود. در واقع کارکرد اصلی تعلیم و تربیت سلبی، زمینه‌سازی برای «شکوفای شدن» استعدادهاست؛ نه «شکوفای کردن» آن‌ها؛ زیرا در فرایند شکوفای شدن، اصل بر پیشگیری، حذف و نفی اقداماتی است که مانع عاملیت فرد در رشد و تحول خویش می‌شود (کریمی، ۱۳۹۴، ص. ۱۲۱-۱۰۱).

در پژوهش حاضر تربیت سلبی به معنای روشی تربیتی است که به زمینه‌ها و عواملی که مانع پرورش فضایل اخلاقی هستند - و به عبارتی زمینه‌ساز رذایل و از جمله حسد هستند، اجازه مداخله ندهد. بنابراین از آنجایی که خشم و غضب، کینه و دشمنی، تفاخر، بخل و حب دنیا از جمله مهم‌ترین عواملی هستند که حسادت را در انسان برمی‌انگیزند، در تربیت اخلاقی متربیان، باید به چنین رفتارها، الگوها و زمینه‌هایی که باعث بروز حسد هستند، اجازه مداخله نداد.

از آنجایی که موضوع پژوهش حاضر در حوزه تربیت اخلاقی است و در تربیت اخلاقی تزکیه مقدم بر تعلیم است «...و يُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ...» (آل عمران، ۱۶۴)، ابتدا افکار، نگرش‌ها، صفات و رفتارها و درحقیقت رذایلی که مانع تربیت اخلاقی هستند و سپس افکار، نگرش‌ها و صفات و رفتارهایی که موجب فضایل اخلاقی هستند را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۷-۱. جلوگیری از برانگیختن خشم افراد تحت تربیت

از جمله زمینه‌های تربیتی از نوع سلبی، جلوگیری از برانگیختن خشم افراد تحت تربیت است. در هر شرایطی باید سعی کرد تا از هرگونه زمینه‌سازی خشم در افراد ممانعت کرد؛ زیرا به باور ملا احمد نراقی، خشم انسان را از حوزه عقلانیت و رفتارهای مبتنی بر عقل دور می‌کند (نراقی، ۱۳۹۱، ص. ۲۰۹). غزالی نیز می‌نویسد اصل خشم از آتش است که «زخم وی بر دل بود و نسب آن با شیطان است. ولیکن چون به افراط بود، زیانکار باشد و مثل آتشی بود که بر دل زند و دود بر دماغ رود و جایگاه عقل و اندیشه را تاریک کند» (غزالی، ۱۳۸۴، ص. ۵۴۲-۵۴۰). خشم افزون بر اینکه خود مدموم است، پیامدهای دیگری نیز دارد که یکی از آن آثار و پیامدها، ایجاد حسد در طرفین است.

یکی از بزرگ‌ترین مشکلات بین مربیان و متربیان در نوجوانی، پرخاشگری ناشی از برانگیختن خشم آنان است که باید هوشیارانه از اقداماتی که باعث این موضوع می‌شود، پرهیز کرد. یکی از این اقدامات پرهیز از مقایسه پیوسته آنان با سایر همسالان است. وقتی نوجوان نتواند فاصله خود را با کسانی که با آنها مورد مقایسه قرار گرفته، بردارد، احساس شکست خواهد کرد؛ شکستی که زمینه‌ساز صدمات روانی، عاطفی و اخلاقی

بسیاری است. این مقایسه‌ها باعث سرخوردگی آنان، برانگیختن خشم آنان و در نتیجه زمینه‌سازی حسادت می‌خواهد شد.

۲-۷. پرهیز از بخل‌ورزی

از دیگر زمینه‌های تربیتی سلبی در مواجهه با حسادت، پرهیز از بخل‌ورزی است. بخیل کسی است که از بخشیدن امکانات خود، خودداری می‌کند. شایع‌ترین و بدترین شکل بخل آن است که بخیل با کینه و خشم درونی پنهان و گاه آشکار، آرزوی نابودی نعمت‌هایی را دارد که خداوند با توجه به حکمت و مصلحت خود به بندگانش عطا فرموده است. به این بدترین حالت بخل، حسادت گفته می‌شود. بنابراین حسد ریشه در بخل، ضعف ایمان و تسلیم نشدن و رضایت ندادن به اراده خداوند دارد (جمشیدیان، ۱۳۸۸، ص. ۹۰). ریشه اصلی بخل، کفر و بی‌ایمانی به خداست. راهکار تربیتی درمان بخل نیز آگاهی یافتن نسبت به آفت بخل و اثرات منفی آن در زندگی فردی و اجتماعی و شناخت فایده جود و سخاوت است (علی محمدی و جلیلی راد، ۱۳۹۲، ص. ۴۴).

بخل‌ورزی از صفات مذمومی است که در قرآن کریم نیز مورد مذمت قرار گرفته است. خداوند سبحان می‌فرماید: «وَلَا يَحْسِبَنَّ الَّذِينَ يَبْخُلُونَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ خَيْرًا لَهُمْ بَلْ هُوَ شَرٌّ لَهُمْ» (آل عمران، ۱۸۰). خداوند در این آیه به صراحت به کسانی که به آنچه از فضلش به آنان داد بخل می‌ورزند، اعلام می‌کند که گمان نکنند که بخل آنان به سودشان است؛ بلکه بخل آنان به زیانشان خواهد بود.

۳-۷. پرهیز از خصومت، دشمنی و کینه‌توزی

پرهیز از خصومت، دشمنی و کینه‌توزی از دیگر زمینه‌های تربیتی از نوع سلبی در مواجهه با حسادت است. یکی از پیامدهای ناپسند خصومت، پیدایش کینه است؛ زیرا نزاع با دیگران باعث پیدایش کینه و دشمنی در آنها می‌شود. امیرالمؤمنین (ع) می‌فرماید: «از خصومت پرهیزید؛ چرا که دل را مشغول می‌کند و موجب نفاق و زنده شدن کینه می‌شود» (تهرانی، ۱۳۸۷، جلد ۴، ص. ۲۲۰).

بنابراین هرگاه انسانی کسی را دشمن بدارد، نه تنها خیرخواه او نیست، بلکه طاقت دیدن موفقیت و پیشرفت وی را هم ندارد. حسادت یهود به رسول اسلام به دلیل

دشمنی با ایشان بود (بقره، ۱۰۹). در تورات نیز دشمنی و جنگ یکی از عوامل حسادت به شمار می‌رود (اشعیا، ۱۱: ۱۳).

کینه نوعی بدخواهی پنهانی و خیر نخواستن برای دشمن است. ضد آن «نصیحت» به معنای خیرخواهی است (نراقی، ۱۳۹۱، ص. ۴۲۴).

اگرچه به باور برخی از علمای اخلاق مهم‌ترین عامل تولید کینه در نفس آدمی، بیماری حسد است، اما خود کینه نیز باعث تشدید حسادت در انسان می‌شود. امیرالمؤمنین (ع) می‌فرماید: *شدة الحقد من شدة الحسده*؛ «شدت کینه ناشی از شدت حسد است» و *الحقد شیمه الحسده*؛ «کینه سنجیه حسودان است» (تهرانی، ۱۳۹۵، جلد ۷، ص. ۱۰۸).

این دو ویژگی نکوهیده نیز زمینه‌ساز رذیلت حسد در انسان هستند که در فرایند تعلیم و تربیت باید مراقب آن بود و از بروز و ظهور آن در خلق و خوی متربیان جلوگیری کرد.

۴-۷. نداشتن تفاخر و ابراز نکردن توانمندی‌ها

از دیگر زمینه‌های تربیتی از نوع سلبی در مواجهه با حسادت که بر تعاملات اجتماعی اثر مخرب دارد، تفاخر و ابراز توانمندی در جمع است. در تربیت باید مراقب تفاخر و ابراز توانمندی بود. اگرچه گاه ابراز توانمندی موجب ترغیب و تحریک افراد تحت تربیت می‌شود، اما در کل در تعاملات و روابط اجتماعی، تأثیر منفی خواهد داشت. بنابراین باید از تفاخر و ابراز توانمندی‌ها در جمع افراد پرهیز کرد. گاه انسان خواسته یا ناخواسته به دلیل برخوردار بودن از شایستگی‌ها و قابلیت‌ها یا موقعیت خاص، ممکن است دچار تفاخر شود. این تفاخر ممکن است زمینه حسادت را در دیگران برانگیزد. خداوند در قرآن بارها به مسئله فخرفروشی توجه داشته و آن را مذموم دانسته است؛ از جمله به رسم ناپسند اعراب جاهلی که بر سر قبور درگذشتگان خود حاضر می‌شدند و با شمارش قبرها و کثرت آن‌ها بر دیگران فخر می‌فروختند (تکواثر، ۲-۱) یا در سوره حدید که مقطعی از زندگی را دوران ابراز فخر بر دیگران معرفی کرده است (حدید، ۲۰). نهی از تفاخر و همنشینی با اهل فخر در روایات نیز آمده است (کلینی، ۱۴۰۷، ج. ۱۵، ص. ۴۰۴). بنابراین در برنامه‌های تربیتی باید متربیان را نسبت به آفت‌ها و پیامدهای این خصلت رذیله آگاه و هوشیار کرد.

۵-۷. کنترل حب دنیا

به نظر می‌رسد مهم‌ترین زمینه تربیتی سلبی در مواجهه با حسادت، کنترل حب دنیا باشد. حب دنیا منشأ بیشتر رذایل اخلاقی و خطاهایی است که از انسان سر می‌زند. در روایتی آمده است که علاقه به شش چیز باعث نافرمانی خداوند می‌شود که نخستین آن‌ها حب دنیا است (کلینی، ۱۴۰۷، ج. ۲، ص. ۲۸۹). پیامبر نیز در روایتی فرموده است: «حُبُّ الدُّنْيَا رَأْسُ كُلِّ خَطِيئَةٍ»؛ «محبت دنیا منشأ همه اسباب حسد است؛ زیرا تنگی دنیا و محصور بودن منابع آن محل نزاع و دشمنی است» (جعفر بن محمد، ۱۴۰۰، ص. ۱۳۸) (نراقی، ۱۳۹۱، ص. ۳۹۶). بنابراین حب دنیا انسان را از اینکه خیرخواه دیگری باشد، باز می‌دارد. به همین دلیل زمینه‌ساز حسد است.

۸. زمینه‌های تربیتی از نوع ایجابی

اگر در تربیت سلبی زمینه‌ها و عواملی که مانع پرورش فضایل اخلاقی هستند، اجازه مداخله ندارند، در تربیت ایجابی آنچه موجب و زمینه‌ساز فضیلت و ویژگی خاصی هستند، مورد توجه قرار می‌گیرند. در واقع تربیت ایجابی به زمینه‌ها و الگوهای اشاره دارد که باعث شکل‌گیری اندیشه و نگرش شایستگی و مهارتی خاص در متربیان می‌شود. باتوجه به اینکه از نظر معناشناسی و اصطلاح اخلاقی، فضیلت خیرخواهی ضد رذیلت حسد است (نراقی، ۱۳۹۱، ص. ۴۰۲)، در بعد تربیت ایجابی، زمینه‌ها، روش‌ها و راهکارهایی را که موجب فضیلت خیرخواهی هستند، ارائه می‌دهیم که در ادامه به مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌شود.

۸-۱. توجه به استعدادها و علایق خاص افراد

یکی از زمینه‌های تربیتی ایجابی در مواجهه با حسادت، توجه مربیان به توانمندی‌ها، استعدادها و علایق خاص متربیان است که به آنان احساس توانمندی، برتری و سرآمد بودن می‌دهد. نتیجه این اتفاق شکل‌گیری احساس کرامت و عزت‌مندی و تقویت اعتماد به نفس در آنان خواهد بود و بدیهی است انسانی که احساس کرامت و عزت‌مندی داشته باشد، در دام بیماری حسادت نخواهد افتاد.

در صورتی که در فرایند تربیت نیازی به مقایسه متربیان با دیگری باشد، باید هدف برانگیختن نگرش خیرخواهی متربیان نسبت به دیگران باشد؛ زیرا که «هر که طالب خیر

و خوبی از برای مسلمانان بوده باشد، در هر خیری که به ایشان برسد شریک است» (نراقی، ۱۳۹۱، ص. ۴۰۲).

۲-۸. زمینه‌سازی احساس حرمت و کرامت

از جمله زمینه‌های تربیتی ایجابی در مواجهه با حسادت، زمینه‌سازی احساس حرمت و کرامت در افراد است. در اهمیت حرمت و کرامت انسان همین بس که اولویت نخستین آیات «اقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ» (علق، ۳۰) و آخرین آیاتی که بر پیامبر نازل شد (بقره، ۲۸۱)، بر محور کرامت انسانی بود. در امر تربیت، مربی باید به حرمت و کرامت ذاتی و اکتسابی متریان احترام بگذارد؛ زیرا که محور اصلی تربیت در اسلام کرامت و حرمت انسان است. در واقع هر یک از عناصر نظام تربیتی مانند اهداف، روش‌ها، اصول و...، به نحوی باید متأثر از اصل حرمت و کرامت انسان باشند.

زمینه‌سازی احساس حرمت و کرامت در متریان به دو شیوه کلی انجام می‌گیرد:

الف) تکریم و احترام به خود یا کسب کرامت: در این شیوه، راه اصلی کسب حرمت و کرامت اکتسابی برای انسان از دیدگاه قرآن، تقواست که به روش‌های تربیتی چون دعا و درخواست از خدا، اکرام یتیم و اطعام مسکین، عبادت خدا و نمازگزاردن (ان الصلوة تنهی عن الفحشاء و المنکر) (عنکبوت، ۴۵)، انجام می‌گیرد.

ب) تکریم و احترام دیگران: در این شیوه کلی نیز با بررسی آیات قرآن می‌توان به روش‌هایی از جمله ۱- تصریح مستقیم به حرمت و کرامت انسانی، ۲- تحسین خود در آفرینش انسان، ۳- توصیف برخی ویژگی‌های مثبت انسان، ۴- نسبت دادن خلقت انسان به خود، ۵- بیان احترام دیگر موجودات به انسان، ۵- معرفی انسان به عنوان غایت خلقت و ۷- بیان اهداف والای خلقت انسان اشاره کرد (حسینی‌زاده و مشایخی، ۱۳۹۳، ص. ۱۳۵-۱۱۹).

به هر میزان که انسان به کرامت ذاتی و موهبتی خود از سوی خداوند حکیم آگاه باشد، احساس عزت نفس بالاتری دارد. چنین انسانی برتری خود یا دیگران را در یک یا چند ویژگی، معلول کرم، حکمت الهی و فرصت و امکانی که خداوند به آن‌ها داده، تلقی می‌کند. در نتیجه از داشته‌های خود دچار عجب نمی‌شود و به داشته‌ها و برتری‌های دیگران حسرت و غبطه نمی‌خورد و حسادت نمی‌ورزد؛ بلکه خیرخواه دیگران نیز خواهد بود.

۳-۸. توزیع متناسب مهر و محبت

از دیگر روش‌ها و زمینه‌های تربیتی از نوع ایجابی در مواجهه با حسادت - که بعد رفتار عملی حائز اهمیت بسیار است - توجه بزرگسالان و مربیان در توزیع متناسب مهر و محبت است. در جمع متریبان یا فرزندان، ممکن است فردی ویژگی‌های خاص و جذابیت‌های بیشتری از جمله جذابیت‌های بصری و ظاهری یا شخصیتی و خلقی، یا توانمندی‌ها و استعدادها برتری نسبت به دیگران داشته باشد. در چنین شرایطی مربیان یا والدین باید بسیار هوشمندانه، با رعایت اصل عدالت و انصاف، مراقب رفتارهای خویش در ارتباط با فرزندان و متریبان باشند. ابراز مهر و محبت بیشتر به یکی از متریبان یا فرزندان بنا به دلایل ذکر شده، ممکن است باعث دلرنجی و درنهایت زمینه‌سازی حسادت در سایرین شود. در صورتی که توزیع متناسب و معقول مهر و محبت مربیان یا والدین به متریبان و فرزندان، زمینه ایجاد همبستگی و دلبستگی میان آنان را فراهم کرده و حتی باعث برانگیختن احساس خیرخواهی آنان نسبت به یکدیگر خواهد شد.

در داستان یوسف پیامبر (ع) در قرآن کریم، سبب حسادت به یوسف و برادرش از قول فرزندان یعقوب، حب پدر به آن دو بود که آرزوی نابودی این احساس را داشتند و برای از بین بردن آن دست به اقدامات بعدی زدند. «إِذْ قَالُوا لَيُوسُفُ وَأَخُوهُ أَحَبُّ إِلَيْنَا مِمَّا وَمَا...» (یوسف، ۹-۸).

۴-۸. زمینه‌سازی روحیه قدردانی و شکرگزاری

از دیگر زمینه‌های تربیتی ایجابی در مواجهه با حسادت، زمینه‌سازی روحیه قدردانی و شکرگزاری در افراد است. روحیه قدردانی و شکرگزاری، انسان را از گله‌مندی و یادآوری نداشته‌ها و ناکامی‌ها باز می‌دارد و او را متوجه داشته‌ها و نعمت‌هایش می‌کند؛ در نتیجه فرد در زندگی احساس رضایتمندی، قناعت و لذت دارد. «آنچه باعث شکرگزاری از منعم می‌شود، حکمت است و کسی که دارای حکمت است، شکرگزار نیز خواهد بود» (حسینی‌زاده و مشایخی، ۱۳۹۳، ص. ۴۴). قدردانی و شکرگزاری در دو سطح قابل زمینه‌سازی است: یکی در ارتباط اجتماعی افراد با یکدیگر که افراد جامعه باید بیاموزند در مقابل لطف، مساعدت و همکاری دیگران شکرگزار و قدردان باشند.

دیگری در بالاترین سطح شکرگزاری که قدردانی از خالق یکتا و دهنده بی‌همتا صورت می‌گیرد.

تخلق به رضایتمندی، قناعت و شکرگزاری از ویژگی‌هایی است که مانع ایجاد و بروز و ظهور غبطه، نگرانی و حسادت در انسان می‌شود.

در تعلیم و تربیت می‌توان با تدوین محتوای مناسب و هدفمند در قالب داستان، رمان، شعر کودک و نوجوان و در تربیت رسمی و عمومی به‌طور خاص در دروسی چون هدیه‌های آسمانی، تعلیمات دینی، ادبیات فارسی، علوم اجتماعی و روان‌شناسی به تهیه و تدوین محتوای کتب درسی مناسب پرداخت. همچنین در زمینه عملی می‌توان با الگوسازی رفتارهای مطلوب در مربیان و والدین، زمینه ایجاد، پرورش و تقویت روحیه شکرگزاری و رضایتمندی و قناعت را در متربیان فراهم کرد که این روحیه درحقیقت مانع بروز حسد می‌شود.

نمونه بسیار ارزشمند چنین زمینه‌سازی تربیتی را می‌توان در گلستان سعدی مشاهده کرد. آنجا که می‌فرماید: «منت خدای را عز و جل که طاعتش موجب قربت است و به شکر اندرش مزید نعمت. هر نفسی که فرو می‌رود مُمد حیات است و چون بر می‌آید مُفرح ذات. پس در هر نفس دو نعمت موجود است و بر هر نعمتی، شکری واجب...» (سعدی، ۱۳۸۶، دیباچه گلستان).

۵-۸. آگاهی بخشی و ایجاد بینش الهی در متربیان

از دیگر زمینه‌های تربیتی از نوع ایجابی در مواجهه با حسادت - که به بعد شناختی و بینشی افراد مربوط است - آگاهی بخشی و ایجاد بینش الهی در متربیان است. چنانچه در افراد تحت تربیت، شناخت، آگاهی و بینشی ایجاد شود که عالم هستی، مخلوق خداوند است و «آفریننده همه چیز فقط خداست»^۱ (رعد، ۱۶)، هدف نهایی از خلقت، افاضه رحمت به اوست «مگر کسانی که پروردگارت به آنان رحم کرده و به همین سبب آنان را آفریده است...»^۲ (هود، ۱۱۹)، از طرفی این دنیا زودگذر بوده و دنیای دیگری در انتظار انسان است «ای قوم من! این زندگی دنیا فقط کالایی بی‌ارزش و

۱. «...اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ...» (رعد، ۱۶).

۲. «إِلَّا مَنْ رَحِمَ رَبُّكَ وَلِذَلِكَ خَلَقَهُمْ...» (هود، ۱۱۹).

زودگذر است و بی‌تردید آخرت سرای همیشگی و پایدار است»^۱ (غافر، ۳۹) و همچنین آنچه به انسان عطا شده، زمینه آزمایش اوست «...أَمْأَمْوَالِكُمْ وَ أَوْلَادِكُمْ فَتَنَةٌ...» (انفال، ۲۸)، دیگر دلیلی برای حسادت به دیگران و موقعیت آنان باقی نمی‌ماند و چشم به داشته‌های دیگران نمی‌اندوزد.

بنابراین در صورتی که انسان به این آگاهی و بینش دست یابد که توانمندی‌های دیگران را نتیجه فضل (بقره، ۹۰)، نعمت (یوسف، ۹-۸) و حکمت الهی (نساء، ۵۴) بدانند، نسبت به آن حسادت نمی‌ورزد و در نتیجه این آگاهی مایه آرامش روح و جان وی خواهد بود.

همچنین چنانچه این بینش و آگاهی در متریان ایجاد شود که از حسادت‌ورزی سودی عاید انسان نمی‌شود و به‌جز زیان و کم‌ارزش شدن، فایده‌ای نمی‌برد، سعی می‌کند که قلب و جان خویش را از حسادت نسبت به دیگران پاک نگه دارد؛ چرا که به گفته مولانا:

از حسد، کاهد حسودان را وجود	چشم نابینا به از چشم حسود
چون بینی دیگری را بر مُراد	کُنْ دعا تا نعمتش گردد زیاد
خاطر خود را مرنجان بی‌سبب	آنچه او دارد تو هم از حق طلب

(مولوی، ۱۳۸۹، دفتر اول مثنوی معنوی).

۶-۸. الگوپردازی

الگوپردازی از دیگر زمینه‌های تربیتی ایجابی در مواجهه با حسادت است. انسان طبعاً از سویی الگوپرداز و از دیگر سو الگوخواه است. الگوخواهی ریشه در ارزش‌پرستی آدمی دارد. خداوند در قرآن با توجه به این نیاز، به زندگی شخصیت‌هایی همچون حضرت ابراهیم (ع)، موسی (ع)، مریم (س)، یحیی (ع)، یوسف (ع) و به‌خصوص پیامبر اسلام (ص) اشاره می‌کند و همگان را به سرمشق‌گیری از زندگی آنان ترغیب می‌سازد. با درنگ در آیات قرآن، می‌توان اذعان کرد که این کتاب الهی به الگوخواهی مؤمنان به‌خوبی پاسخ گفته است؛ زیرا در کنار هر مفهومی، مصداق آن را بیان می‌کند (پورامینی، ۱۳۹۱، ص. ۲۳).

۱. «انما هذه الحیوة الدنيا متعٌ وَاِنَّ الْآخِرَةَ هِيَ دَارُ الْقَرَارِ» (غافر، ۳۹).

معرفی الگوهای عملی اخلاقی را از این جهت که روشی عملی و عینی است، می‌توان در تعلیم و تربیت و به‌ویژه در تربیت اخلاق عملی بسیار مؤثر دانست. البته باید توجه داشت که تربیت اخلاقی منحصر به معرفی الگوهای عملی اخلاقی نیست؛ بلکه اصالت و برتری در تربیت اخلاقی مربوط به عرضه معیارهای اخلاقی است و همچنین باید این معیارها در مریبان نمود عینی یابد (مطهری، ۱۳۸۵، ص. ۱۹۲).

بنابراین عمل صالحی که در قالب رفتار و کردار خالصانه و صادقانه^۱ مبتنی بر ایمان عمیق از مربی و اولیاء سر می‌زند، الگوی تربیتی مناسبی برای متربیان است. افزون بر این، مربی می‌تواند معیارهایی را براساس سنت و سیره پیامبر اسلام (ص) و ائمه معصومین (ع)، تبیین و در دسترس متربیان قرار دهد.

۸-۷. تقویت ایمان

اما مهم‌ترین زمینه‌های برای تربیت، دستیابی به حکمت یا دانایی است که این مهم از طریق تقویت ایمان حاصل می‌شود. حکمت، ویژه مؤمن است و به غیرمؤمن داده نمی‌شود؛ زیرا از سوی حکمت از فضل خدا یا همان رحمت خاصه الهی است که تنها به مؤمن داده می‌شود: «خدا بر مؤمنان دارای فضل است» (آل‌عمران، ۱۵۲). از سوی دیگر خداوند در قرآن می‌فرماید: «و هرکس به خدا ایمان بیاورد، خدا قلبش را [به حقایق] راهنمایی می‌کند؛ و خدا به همه چیز داناست»^۲ (تغابن، ۱۱) (حسینی‌زاده و مشایخی، ۱۳۹۳، ص. ۳۳). تقویت ایمان متربیان با رذایل اخلاقی و از جمله آن حسد، رابطه عکس دارد؛ به طوری که هرچه میزان ایمان در افراد عمیق‌تر باشد، ایجاد ذهنیت یا ارتکاب چنین رذایلی کم‌تر خواهد بود.

۹. رویکردهای تربیتی در فرایند تربیت اخلاقی

رویکرد تربیتی در واقع همین است: «جهت‌گیری کلی، مشخص و منسجمی درباره ماهیت و چگونگی مواجهه با موضوع مورد نظر، که با توجه به مجموعه‌ای از مفروضات نظری سازوار، تعیین می‌شود و التزام به آن موجب ایجاد همگرایی و هماهنگی در انتخاب اصول، معیارها و روش‌های خاص در عرصه عمل خواهد شد» (مبانی نظری

۱. «وَاللَّهُ ذُو فَضْلٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ» (آل‌عمران، ۱۵۲).

۲. «وَمَنْ يُؤْمِنْ بِاللَّهِ وَآلِهِ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ» (تغابن، ۱۱).

تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی جمهوری اسلامی ایران، آذرماه ۱۳۹۰). رویکرد تربیتی متناسب بحث پژوهش حاضر براساس اهداف و زمینه‌های تربیتی که در بخش‌های پیشین مورد بحث و بررسی قرار گرفت، رویکرد عقلانیت‌محوری، مشارکت‌محوری و تعالی‌تدریجی است.

به‌طورکلی در تربیت اخلاقی ضمن توجه به ابعاد عاطفی و عملی، باید از مواجهه احساسی و تکانشی پرهیز کرد و ساز و کار تربیت را با موازین تعقل و عقلانیت پیش برد. آگاهی‌بخشی و ایجاد بینش الهی در متربیان که در بخش‌های پیشین مورد بحث قرار گرفت، از جمله زمینه‌های ایجابی این نوع تربیت مبتنی بر عقلانیت است. یعنی بر فهم افراد و کسب آگاهی عمیق از مبانی و معارف دینی و دستیابی به بصیرت دینی و اخلاقی تأکید دارد.

به دلیل آنکه حسادت دارای آثار و پیامدهای فردی و اجتماعی مخرب بسیاری است و حتی ممکن است همچون حلقه اولیه یک زنجیره‌ای از رذایل، پیدایش رذایل دیگر را در وجود انسان باعث شود، علاج آن با همراهی و مشارکت همه عوامل سهیم در تربیت امکان‌پذیر است. بنابراین چنانچه بخواهیم در تربیت اخلاقی افراد جامعه به توفیق دست یابیم، مشارکت و همراهی همه عوامل و از آن جمله خانواده، مدرسه، دانشگاه، مسجد و رسانه ضروری است.

تعالی‌تدریجی به‌معنای رعایت مراتب تخلق به صفت اخلاقی یا فضیلت یا سلب خصلت نکوهیده و رذیلت است. از آنجایی که رذیلتی چون حسد، به‌دلیل تأثیر و تأثر و ارتباط متقابل با خصلت‌هایی چون خشم، غضب، کینه‌توزی و... خصلتی پیچیده است، شناسایی و علاج آن عملاً به یکباره و آنی امکان نمی‌پذیرد؛ بلکه رهایی از آن به‌صورت فرایندی و به‌تدریج خواهد بود.

بحث و نتیجه‌گیری

در پاسخ به پرسش‌های پژوهش می‌توان گفت که حسد که به‌معنی آرزوی زوال نعمت دیگری است، از نظر کتب آسمانی و به‌خصوص قرآن کریم همواره مذموم بوده و انسان‌ها از آن برحذر داشته شده‌اند تا از آثار شوم آن جلوگیری شود. براساس تحلیلی که از آیات قرآن به‌عمل آمد، می‌توان گفت حسد از ضعف ایمان و سستی در اعتقادات

نتیجه می‌شود و اصلی‌ترین راه جلوگیری از آن، تقویت نیروی ایمان و اصلاح بینش توحیدی است که در کتاب‌های وحیانی به آن پرداخته شده است. از نظر علمای اخلاق، راه خلاصی از حسد، اعتقاد به توحید است که در نتیجه آن انسان همه را بنده خداوند متعال ببیند.

گاه کمال‌طلبی انسان در محدوده کمالات طبیعی باقی می‌ماند و حب نفس و حب دنیا نیز در وی به سمت بعد مادی و طبیعی متمایل شده و او را به ورطه خویشتن‌دوستی افراطی، خودخواهی و دنیاطلبی می‌افکند که در این حالت ممکن است در تعاملات اجتماعی به دلیل برتری‌جویی و رقابت‌های مادی، به داشته‌ها و برخورداری‌های دیگران حسادت بورزد. البته حسادت از جمله خصلت‌هایی است که ذاتی انسان نبوده و انسان می‌تواند آن را با اختیار و انتخاب خود کسب کند. درحقیقت انسان با کسب این خصلت، علاوه بر رعایت نکردن معیار تقوای الهی، به کرامت ذاتی و خدادادی خود نیز اهانت کرده است. در تعاملات انسانی، گاه تمایزات فردی و گروهی زمینه حسادت برخی افراد می‌شود که در این وضعیت باید متوجه بود که تنوع و تمایز در استعدادها، توانمندی‌ها و برخورداری‌های افراد جامعه، دلیل بر حکمت الهی و نظام علت و معلولی است که سبب می‌شود انسان در هر سطح از استعداد، توانمندی، امکانات، برخورداری از فرصت‌ها و شرایط و موقعیت‌ها، حقوق و تکالیف متناسب با آن را داشته باشد. حسادت همچون سایر رذایل اخلاقی، امکان تحقق حیات طیبه - که وضع مطلوب زندگی بشر براساس نظام معیار ربوبی است - را از انسان سلب می‌کند. همچنین حسادت که یک تمنا و آرزوی قلبی منفی است، همچون یک مانع درونی نشان از اسارت و وابستگی انسان به تمایلات نفسانی دارد. بنابراین منشأ حسادت را می‌توان گاه در اندیشه نکردن در حکمت الهی، در بیماردلی و لجاجت با حق و حقیقت، فساد اخلاق، محبت به دنیا و محصور بودن در منابع آن و گاه در روابط اجتماعی، تبعیض نابه‌جا میان افراد و در کل نداشتن بینش صحیح نسبت به خود، عالم هستی و دنیا و عقبی دانست.

حسد آثار و پیامدهای مخربی بر تعاملات فردی و اجتماعی انسان دارد. از جمله آثار و پیامدهای فردی حسد بر بعد فردی، سلب آرامش روحی و روانی و تضعیف ایمان و

اعتقادات توحیدی انسان است. در تعاملات اجتماعی، گاه رفتارهای نسنجیده انسان در ارتباط با دیگری، ممکن است زمینه‌ساز فهم و تصور متفاوتی از نیت انسان در دیگران شود. به‌عنوان مثال توزیع نابرابر مهر و محبت والدین یا بزرگسالان به کودکان ممکن است زمینه‌ساز بروز حسادت در آنان شود. در تعاملات اجتماعی، پیدایش رذایلی چون خشم و غضب، خصومت و دشمنی، کینه‌ورزی و بخل‌ورزی ممکن است از پیامدهای حسد به‌حساب بیاید. حسادت حتی ممکن است همچون حلقه اولیه یک زنجیره‌ای از رذایل، پیدایش رذایل دیگر را در وجود انسان باعث شود.

یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که خشم و غضب، کینه و دشمنی، تفاخر، بخل و حب دنیا از جمله عواملی هستند که حسادت را در انسان برمی‌انگیزند که در تربیت باید مانع بروز و ظهور چنین صفات زمینه‌ساز حسد بود. همچنین توجه به استعدادها و علائق خاص متربیان، زمینه‌سازی احساس کرامت و عزت‌نفس در متربیان، توزیع مناسب توجه، مهر و محبت به فرزندان و متربیان، زمینه‌سازی و پرورش روحیه قدردانی و شکرگزاری در متربیان، آگاهی‌بخشی و ایجاد بینشی که در اثر آن متربیان داشته‌ها و توانمندی‌های دیگران را نتیجه فضل، نعمت و حکمت الهی بدانند، الگوپردازی و مهم‌تر از همه تقویت ایمان، مهم‌ترین زمینه‌های ایجابی برای تربیت به‌حساب می‌آیند. با اتخاذ رویکردهای تربیتی همچون عقلانیت‌محوری، مشارکت‌محوری و تعالی‌تدریجی می‌توان زمینه تربیت اخلاقی مطلوب در متربیان را فراهم کرد.

یافته‌های پژوهش حاضر با یافته‌های پژوهش بیرجندی، قطبی و شعیری (۱۳۹۷)، بهپور و ساجدی (۱۳۹۶) و به‌ویژه ذوالفقاری، نجاریان و نجاریان (۱۳۹۳)، از این منظر که براساس آموزه‌های غنی قرآنی و فرهنگی، می‌توان راهکارهایی یافت که مانع بروز و ظهور حسد و سایر صفات زمینه‌ساز آن شود، همسو است. در پژوهش بیرجندی، قطبی و شعیری (۱۳۹۷) از پناه بردن به خداوند به‌عنوان محوری‌ترین راه مقابله با حسادت یاد شده است. ذوالفقاری، نجاریان و نجاریان (۱۳۹۳) نیز تقویت ایمان، شناخت صحیح و اصلاح نگرش‌ها را از راه‌های درمان حسادت معرفی کرده‌اند. بهپور و ساجدی (۱۳۹۶) نیز همسو با یافته‌های پژوهش حاضر، اساسی‌ترین راهکار خلاصی از حسادت را اصلاح نگاه توحیدی دانسته‌اند.

در تعلیم و تربیت به طور عام و در تربیت دینی و اخلاقی به طور خاص، در طراحی و تدوین محتوای آموزشی، می توان و البته ضروری است که بخشی از محتوای آموزشی و برنامه های درسی را افزون بر پرداختن به معرفت بخشی و آگاهی بخشی نسبت به آثار و پیامدهای رذایل اخلاقی چون حسد، کینه ورزی، خشم و دشمنی و...، به ارزش های اخلاقی مهمی چون محبت و مهرورزی، نوع دوستی، صبر و شکیبایی، شکرگزاری و قناعت، رضایتمندی، صداقت، وفای به عهد، حق گروی و حقیقت جویی، خیرخواهی و نظایر آن اختصاص داد. البته هنگام صحبت از برنامه درسی، به جز محتوای درسی که معمولاً همان متون و کتب درسی را شامل می شود، اجزاء و مؤلفه های دیگری چون روش تدریس، ارزشیابی و نقش معلم نیز زیرمجموعه این مفهوم تلقی می شوند (Eisner, 1994, p.31). نقش الگویی معلم نیز به عنوان یکی از عناصر مهم برنامه درسی در جلوگیری از ایجاد و تقویت رذایل اخلاقی در متربیان و ایجاد و تعمیق فضایل اخلاقی بسیار اثرگذار است. رویکرد معلم به مقوله ارزشیابی و چگونگی مواجهه مربی، مربی و والدین با نتایج آن نیز می تواند در زمینه سازی و شکل گیری فضایل و رذایل اخلاقی تأثیرگذار باشد.

در مراکز تربیت معلم که اخلاق حرفه ای در حالت مطلوب، بخش قابل توجهی از برنامه ها و فعالیت های تربیتی را به خود اختصاص می دهد، می توان مهارت ها و نگرش های ویژه ارزش های اخلاقی را که مانع ظهور و بروز حسد در متربیان می شود، به طور مشخص در رابطه معلم و شاگرد و در فعالیت های متنوع آموزشی و تربیتی و در سطوح مختلف تبیین کرد.

منابع

- قرآن مجید (۱۳۹۷). (حسین انصاریان، مترجم).
- نهج البلاغه (۱۳۹۲). (محمد دشتی، مترجم) (چاپ ۱۰). قم: موعود اسلام.
- عهد عتیق (۱۳۹۳). کتاب های شریعت، یا تورات براساس کتاب مقدس اورشلیم (پیروز سیار) (جلد ۱). تهران: هرمس.
- عهد عتیق (۱۳۹۷). کتاب های تاریخ براساس کتاب مقدس اورشلیم (پیروز سیار) (جلد ۲). تهران: نشر نی.
- ابن عاشور، محمد طاهر (۱۹۹۷م). التحریر و التنویر. تونس: دار سحنون.

آثار و پیامدهای حسد در تعاملات فردی و اجتماعی / محمدعلی همتی و علی شیروانی شیرازی ۲۶۱

- ابن منظور، محمد (۱۴۱۴ق). لسان العرب (طبع ۳). بیروت: دار صادر.
- ابوحیان، محمد بن یوسف (۱۴۲۰ق). البحر المحیط فی التفسیر. بیروت: دار الفکر.
- باقری، خسرو (۱۳۹۵). درآمدی بر فلسفه تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران: اهداف، مبانی و اصول (جلد ۱) (چاپ ۳). تهران: علمی و فرهنگی.
- باقری، خسرو؛ توسلی، طیبه؛ و سجادی، نرگس (۱۳۸۹). رویکردها و روش‌های پژوهش در فلسفه تعلیم و تربیت. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- بحرانی، سید هاشم (۱۴۱۶ق). البرهان فی تفسیر القرآن (قسم الدراسات الاسلامیه مؤسسه البعثه، محقق) (چاپ ۱). تهران: بنیاد بعثت.
- بیرجندی، زهرا؛ قطبی، ثریا؛ و شعیری، محمدرضا (۱۳۹۷). شناسایی مفهوم و ابعاد حسادت در قرآن و حدیث، و مقایسه آن با روان‌شناسی حسادت. دوفصلنامه روان‌شناسی بالینی و شخصیت، ۲(۳۲)، ۲۴۹-۲۶۶.
- بیضاوی، عبدالله بن عمر (۱۴۱۸ق). أنوار التنزیل و أسرار التأویل (محمد عبدالرحمان المرعشلی، محقق) (چاپ ۱). بیروت: دار احیاء.
- بهپور، الهام؛ و ساجدی، مریم (۱۳۹۶). بررسی حسد و پیامدهای آن از منظر مدیریت اسلامی و مطالعات نوین مدیریتی. دومین کنگره بین‌المللی علوم اسلامی. تهران.
- پورامینی، محمدباقر (۱۳۹۱). سبک زندگی: منشور زندگی در منظر امام رضا (ع) (چاپ ۲). مشهد: آستان قدس رضوی.
- تهرانی، مجتبی (۱۳۸۷). اخلاق الهی: آفات زبان (جلد ۴) (چاپ ۹). تهران: پژوهشکده فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- تهرانی، مجتبی (۱۳۹۵). اخلاق الهی: مباحث قوه غضبیه (جلد ۷) (چاپ ۱). تهران: پژوهشکده فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- جعفر بن محمد، امام ششم علیه السلام (۱۴۰۰ق). مصباح الشریعة (چاپ ۱). بیروت: اعلمی.
- جمشیدیان، اکرم (۱۳۸۸). جلوه‌هایی از اخلاق در قرآن. ماهنامه پیام زن، (۲۰۹)، ۹۰-۹۱.
- جوهری، ابونصر (۱۴۰۴ق). الصحاح: تاج اللغة و صحاح العربیة. بیروت: دار العلم.
- حسینی‌زاده، سید علی؛ و مشایخی، شهاب‌الدین (۱۳۹۳). روش‌های تربیتی در قرآن (جلد ۲). قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- داودی، محمد؛ و حسینی‌زاده، سید علی (۱۳۹۸). سیره تربیتی پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) (چاپ ۱۲). تهران: سمت.

- ذوالفقاری، شهاب‌الدین؛ نجاریان، زکیه؛ و نجاریان، بتول (۱۳۹۳). راهکارهای درمان حسادت ازدیدگاه اسلام و روان‌شناسی. معرفت، ۲۳(۲۰۵)، ۹۹-۱۱۴.
- راغب، حسین (۱۳۸۳). ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن (سید غلام‌رضا خسروی حسینی، مترجم) (چاپ ۴). تهران: مرتضوی (نشر اثر اصلی: ۱۴۱۲ق).
- زمخشری، محمود (۱۴۰۷ق). الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل. بیروت: دارالکتاب العربی.
- زیبایی‌نژاد، مریم (۱۳۹۱). بیماری‌های دل و روش بهبود آن ازمنظر قرآن و ادبیات عرفانی. نشریه عرفان اسلامی، ۳۲، ۸۳.
- سعدی شیرازی، مصلح‌الدین (۱۳۸۶). کلیات سعدی (محمدعلی فروغی، مصحح) (چاپ ۱). مشهد: به‌نشر.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۴). المیزان فی تفسیر القرآن (سید محمدباقر موسوی همدانی، مترجم) (چاپ ۵). قم: انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۴۱۷ق). المیزان فی تفسیر القرآن. قم: انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طبرسی، فضل (۱۳۶۰). مجمع البیان فی تفسیر القرآن (چاپ ۱). تهران: فراهانی.
- طبرسی، فضل (۱۳۷۲). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. تهران: ناصرخسرو.
- طبری، محمد (۱۴۲۰ق). جامع البیان فی تفسیر القرآن. بیروت: دارالمعرفة.
- طوسی، نصیرالدین (۱۳۵۶). اخلاق ناصری (مجتبی مینوی و علی‌رضا حیدری، مصحح). تهران: خوارزمی.
- عروسی حویزی، عبدعلی (۱۴۱۵ق). تفسیر نور الثقلین (چاپ ۴). قم: اسماعیلیان.
- علی‌محمدی، مجید؛ و جلیلی زاد، سید احمد (۱۳۹۲). تأثیر یخل بر سبک زندگی فردی- اجتماعی و شیوه‌های درمان آن. پیوند، ۴۱(۱)، ۴۴-۴۶.
- غزالی، محمد (۱۳۸۴). کیمیای سعادت (چاپ ۲). به‌اهتمام پروین قاسمی. تهران: پیمان.
- فخرالدین رازی، محمد (۱۴۲۰ق). مفاتیح الغیب (چاپ ۳). بیروت: دار احیاء.
- فراء، یحیی (بی‌تا). معانی القرآن (احمد یوسف نجاتی، محمدعلی نجار و عبدالفتاح اسماعیل شلبی، محققان) (چاپ ۱). مصر: دارالمصرية.
- فلسفی، محمدتقی (۱۳۵۴). گفتار اخلاقی: اخلاق از نظر همزیستی و ارزش‌های انسانی (جلد ۱). تهران: معارف اسلامی.
- فیومی، احمد (۱۴۱۴ق). المصباح المنیر فی غریب الشرح الكبير للرافعی (چاپ ۲). قم: دار الهجرة.

آثار و پیامدهای حسد در تعاملات فردی و اجتماعی / محمدعلی همتی و علی شیروانی شیرازی ۲۶۳

- قرائتی، محسن (۱۳۸۷). تفسیر نور (جلد ۱۰) (ویراست ۲). تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- قرطبی، محمد (۱۳۶۴). *الجامع لأحكام القرآن* (چاپ ۱). تهران: ناصر خسرو.
- کامرانیان، عباس‌علی (۱۳۹۵). *نکته‌های قرآنی درباره حسود و حسادت* (چاپ ۱). تهران: نور قرآن و اهل بیت (ع).
- کریمی، عبدالعظیم (۱۳۹۴). تزکیه به مثابه تربیت سلبی در برابر تدریس به مثابه تربیت ایجابی. *دوفصلنامه تربیت اسلامی*، ۱۰(۲۱)، ۱۰۱-۱۲۱.
- کلینی، محمد (۱۳۵۱). *خلاصه‌ای از اصول کافی* (علی‌اصغر خسروی شبستری، مترجم). تهران: خرمی.
- کلینی، محمد (۱۴۰۷ق). *کافی* (علی‌اکبر غفاری و محمد آخوندی، محققان) (چاپ ۴). تهران: دار الکتب الإسلامية.
- کومبز، جرالده؛ و دنیلز، لو روی بی. (۱۳۹۴). *پژوهش فلسفی: تحلیل مفهومی* (خسرو باقری، مترجم). در: *ادموند سی. شورت. روش‌شناسی مطالعات برنامه درسی* (محمود مهرمحمدی و همکاران، مترجمان). تهران: سمت.
- کیمیایی، مسعود (۱۳۹۳). *حسد بر زندگی عین‌القضاة* (چاپ ۳). تهران: ثالث.
- مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۰). تهران: دبیرخانه شورای عالی آموزش و پرورش.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق). *بحار الأنوار* (چاپ ۲) (جمعی از محققان، مصححان). بیروت: دار إحياء.
- مقدسی، مطهر (۱۳۷۴). *آفرینش و تاریخ* (محمد رضا شفیعی کدکنی، مترجم) (چاپ ۱). تهران: آگه.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۵). *حکمت‌ها و اندرزها* (جلد ۱) (چاپ ۲۰). تهران: صدرا.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). *تفسیر نمونه*. تهران: دار الکتب الإسلامية.
- مولوی، جلال‌الدین (۱۳۸۹). *مثنوی معنوی* (چاپ ۱) (مطابق نسخه رینولد الین نیکلسون و با مقدمه استاد فروزانفر). تهران: سلسله مهر.
- نراقی، احمد (۱۳۹۱). *معراج السعادة*. قم: آیین دانش.
- Eisner, W. E. (1994). *The Educational Imagination*. New York: McMillan, College Puplicing Company.
- Smith, R. H.; and Kim, S. H. (2007). *Comprehending Envy. Psychological Bulletin*. 133, 46-64.
- Shamionov, R. (2014). *Envy, Personality's Riskiness and Methods for Achieving of High Economic Status. Open Journal of Social Sciences*, 2, 110-113.



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی